



استقلال

خیلواکی

حمید انوری

جمعه ۰۹ اکتوبر ۲۰۲۶

درنگی بر چرندی

"سرزمینی که ما را نام داد."

نه هموطن! این افغانها بودند که بر سرزمین خود نام با افتخار افغانستان، یعنی سرزمین افغانها را گذشتند.

"افغان آواز خاک، نامی از جنس کوه و باد."

افغان هیچ ربط منطقی با نام کوه و باد ندارد و خاک هم آواز ندارد. این افغانها بودند و هستند که به آن خطه باستانی نام افغانستان، یعنی سرزمین افغانها دادند و با قیمت خون و جان و تن و عزیزترین و باشراف ترین فرزندان خویش از آن پاسداری نمودند و می نمایند هنوز و این نام با مسمی و پرغرور هم فکر نکنم با کوه و باد ارتباط منطقی داشته باشد. کمی تاریخ مطالعه کنید.

"افغانستان پیش از قبیله، خاک بود هرکه را خاک پروراند، افغان است."

تمام کشور های روی زمین قبل از سکونت انسانها، خاک بودند و هستند و خواهند بود، آبادانی و پیشرفت و ترقی هر خطه و سرزمینی هم مربوط می شود به باشندگان همان خطه. افغانستان هیچگاهی ارتباطی به "قبیله"، نداشته است. (هر که از افغانستان است، افغان است.)

"نامی که از خاک روئیده است، ما رودی هستیم از هزار چشمه، زیر یک آسمان، هزار آواز."

تشبیهات زیبا و شاعرانه، اما ما مردم نه نهال هستیم و نه دانه و نه هم از خاک روئیده ایم. میهن ما هم ربطی به روئیدن ندارد، ما نه رودیم و نه دریا و نه چشمه و نه هم جوی و یا هم جویچه و اما در سرتاسر کره دوار زمین، اکثر کشور های جهان دارای زبانها و گویش های مختلف اند و این تنها مختص به افغانستان نیست و نخواهد بود. من اما دانسته نشدم که عاقبت چگونه نام از خاک می روید و آیا ما رود هستیم یا خاک و یا هم آواز و... و آیا دیگران در زیر چندین آسمان هستند و فقط ما زیر یک آسمان و...

" پل، نه دیوار: سرود یک نام، فرزندان کوه و سوگند سپید."

ما نه پل هستیم و نه دیوار و نه سرود، فرزندان آدم هستیم و نه از کوه و دره و دریا. و اما دانسته نشدیم که سوگند هم رنگ های مختلفِ سرخ و سپید و آبی و گلابی دارد.

" افغان: نامی که از خاک زاده شد، وطن پیش از تبار."

نام افغان، از خاک زاده نشده، بلکه افغانها، نام سرزمین خود را افغانستان گذاشتند و در قانون اساسی قبول شده افغانستان هم آمده است" هر که از افغانستان است، افغان است."

" نامی به وسعت یک سرزمین، ما را خاک نام داد."

واضح و هویدا است که نام یک کشور به وسعت سرزمین آن مربوط می شود و مردم آن خطه هم مربوط می شوند به همان محدوده قبول شده سرزمین شان. ما را خاک نام نداد، بلکه ما خاک خود را نام دادیم.

" افغان و افغانستان مفهوم سرزمینی است، نامی که از خاک روئیده است."

هیچ نامی در هیچ مقطع تاریخ و تحت هیچ شرایط، از خاک نمی روید. مگر افغان و افغانستان، گل و درخت و بته بوده، یا دانه و گیاه و نهال؟

نه! ما نه گیاه هستیم و نه هم علف، بلکه سرزمین افغانها را در طول تاریخ کهن آن، نام های مختلفی بوده است که ثبت اوراق تاریخ است...

اگر سطر به سطر همین گونه نوشته زیبای "هوش مصنوعی" را دنبال کنیم، مثنوی هفتادمن کاغذ می شود که نه این کمترین را فرصت و نه هم هموطنان عزیز را حوصله مطالعه آن خواهد بود. پس به همین مختصر بسنده کرده و توجه جدی "هوش مصنوعی/ن. جلیل زاد" را در مورد خواهانم. به گفته شاعر:

هر که پاکج می گذارد خون دل ما می خوریم شیشه ناموس عالم در بغل داریم ما

یار زنده و صحبت باقی